

عنوان مقاله: کار اقتصادی در پرتو بینش و ارزش های اسلامی

نویسنده: رضایی، مجید

چکیده

اخلاقیات و روش های روابط حاکم بر بازار کار، متأثر از دیدگاه مکتب اقتصادی به کار است. اعتقادات، خود را در بخش تولید و بر رشد جامعه پدید عملی، آثارشدهایی بر رفتار دارد. نوع رفتار در بازار کار، آثار مسلمان را به انجام کار اقتصادی ترغیب ساخته، انگیزه های می آورد. اعتقادات اسلامی و اخلاقیات آن، می کند. برخلاف آن چه درباره آموزه های دینی گفته شده، مبانی ارزشی و اعتقادی متعددی را در او ایجاد دینی، کار توانایی ایجاد برآیند رفتار توسعه را در خود دارد. متون دینی و عملکرد اولیای مسلمان رزاقیت خداوند، شفاعت، اقتصادی را مطلوب و محبوب معرفی کرده است و اعتقاد به قضا و قدر الهی، بلکه درک صحیح از موارد پیش گفته، اثر مثبت قیامت، توکل، زهد، و صبر فقط تضادی با انجام کار نداشته، اقتصادی نشانی دهد آن را بر کار و ایجاد زمینه رشد و توسعه

کلمات کلیدی

فرهنگ دینی، دین و توسعه بازار کار، اقتصاد اسلامی، اعتقادات اسلامی و کار، اخلاق اسلامی و کار، کار و

چکیده

اخلاقیات و روش های روابط حاکم بر بازار کار، متأثر از دیدگاه مکتب اقتصادی به کار است. اعتقادات، خود را در بخش تولید و بر رشد جامعه پدید عملی، آثارشدهایی بر رفتار دارد. نوع رفتار در بازار کار، آثار مسلمان را به انجام کار اقتصادی ترغیب ساخته، انگیزه های می آورد. اعتقادات اسلامی و اخلاقیات آن، می کند. برخلاف آن چه درباره آموزه های دینی گفته شده، مبانی ارزشی و اعتقادی متعددی را در او ایجاد دینی، کار توانایی ایجاد برآیند رفتار توسعه را در خود دارد. متون دینی و عملکرد اولیای مسلمان رزاقیت خداوند، شفاعت، اقتصادی را مطلوب و محبوب معرفی کرده است و اعتقاد به قضا و قدر الهی، بلکه درک صحیح از موارد پیش گفته، اثر مثبت قیامت، توکل، زهد، و صبر فقط تضادی با انجام کار نداشته، اقتصادی نشانی دهد آن را بر کار و ایجاد زمینه رشد و توسعه

و کار، کار و فرهنگ دینی، واژگان کلیدی: بازار کار، اقتصاد اسلامی، اعتقادات اسلامی و کار، اخلاق اسلامی
دین و توسعه

مقدمه

اثر آن بر دیگر بازارها بازار کار، از مهم ترین بازارهای اقتصادی است. خصوصیات منحصر به فرد نیروی کار و دیدگاه مکاتب، و بر کل اقتصاد جامعه اهمیت خاصی به آن داده است

جامعه، زمینه فرهنگی گوناگون بشری به پدیده کار و نیروی کار متفاوت است. جایگاه ارزشی کار در هر به کار اقتصادی در دوران قرون وسطا تا دوران اصیلی برای تأثیر بر پدیده‌های اقتصادی است. تغییر دیدگاه اقتصادی شد. برخی، توسعه اقتصادی قرون جدید را مرهون تغییر جدید، باعث رشد جامعه غربی در بُعد کار اقتصادی و کسب ثروت، و عقب ماندگی دیگر جوامع را ناشی از کمبود بنیادهای نگاه بنیادین جامعه به از عوامل دانسته، عقاید دینی و نگرش‌های سنتی به کار، کسب روزی، قضا و قدر، و مانند آن را فرهنگی اسلام به طور عمده ناشی از مهمّ عقب افتادگی اقتصادی می‌شمارند. داوری نادرست درباره مکتب اقتصادی در صدد است با مراجعه به متون دینی اصیل عدم اطلاع از مبانی دینی در این امور است. نوشته حاضر کار اقتصادی نشان دهد. حجم مطالب مربوط به کار در اسلام، (قرآن و سنت)، دیدگاه کلی دین مبین را به و قرار گرفتن آن در یک مقاله امر دشواری است. ابواب گوناگون جوامع روایی، بسیار گسترده و متنوع بوده در را در خود جای داده است. امید است نوشته حاضر بتواند نمایی کلی از آن مجموعه را این مباحث و ویژگی‌های کلی معروض دید دوستداران اقتصاد اسلامی قرار دهد. دیدگاه دین درباره کار در گستره هستی تضمین روزی، و معاد با کار اقتصادی، کار، رابطه عقاید خاص دینی مثل قضا و قدر الهی، رزاقیت الهی، قناعت با کار و توسعه اقتصادی، بیان اسوه‌های عملی در ارتباط خصوصیات اخلاقی مثل توکل، صبر، زهد و ذاتی کار اقتصادی، و تفاوت دیدگاه اسلام با دیگر مکاتب و اهداف و انگیزه‌های این زمینه، اثبات مطلوبیت اقتصادی فرد مسلمان، مطالب آمده در نوشته حاضر است کار

1. کار در گستره هستی

38): (44) جهان هستی جلوه کار خدا است. کار را آفرید؛ آن گاه عالم را به حق رقم زد (دخان تکیه‌گاه ظاهری سپهر نیلگون را رفعت آسمان‌ها وزمین را در شش روز پدید آورد (اعراف (۷): ۵۴)، و بدون سستی از آن محافظت کرد (فاطر (۳۵): ۴۱). زمین را بخشید (رعد (۱۳): ۲)، و با توان و قدرت و بدون قرار داد (طه (۲۰): ۵۳) تا در پهنه سفره آن قرار گیرد (نوح (۷۱): ۱۹؛ همچون گاهواره در اختیار انسان آسمان، و طعام و عزّت خود را به چنگ آرد (مرسلات (۷۷): ۲۵). ستارگان را زیور و زینت (64): (غافر (۴۰) زمین نمایان ساخت (فصلت) قرار داد (صافات (۳۷): ۶)، و ماه تابان و خورشید جهان افروز را برای روشنایی (۴۱): (۱۲)؛

یک را از دل دیگر آن گاه همه را در مدار خود حرکت داد (یس (۳۶): ۴۰) تا شب و روز را در پی هم و هر استوارش از هیجان و لرزه باز داشت بدرآرد (فرقان (۲۵): ۶۲ و آل عمران (۳): ۲۷). زمین را با کوه‌های حجر (۱۵): (۲۲) تا ابرهای رحمت را بر هم بکوبد و از 57): (انبیاء (۲۱): ۳۱)، و باد را فرستاد (اعراف (۷) آسمانی قطرات حیات را بر زمین تشنه بریزد (نور (۲۴): ۴۳) تا در مجاری دل آن، همراه با تندر و مهیب دریاها مؤمنون (۲۳): ۱۸؛ زمر (۳۹): ۲۱) و چشمه‌ها از آن سرازیر شود (یس (۳۶): ۶۴) و (آن فرود رود رحمن (۵۵): ۲۲). کشتی‌ها پدیدآید تا از دل آن تازه‌ها بگیرند و زینت به چنگ آرند (نحل (۱۶): ۱۴؛ آب‌های گونه‌گون را با هم در آمیخت. (12): (برآن روان سازند و بر گستره آن غالب شوند (جاثیه (۴۵) با آب رحمت خود، زمین تفتیده را طراوت بخشید و (20) بدون آن که یکی شوند (رحمن (۵۵): ۱۹ و رویانید. باغ‌ها را ثمر داد و خوشه‌های گندم و خرما را نمایان ساخت (ق (۵۰): ۹ - جوانه‌های گیاه را بر آن

را در فضای آبی حافظ ؛ انعام (۶: ۹۹). زنبوران را فرمان لانه‌سازی در کوه‌ها و درختان داد و پرندگان 11 و ۶۹ و ۷۹ و ۶۶ و ۵ - ۸). تا 68: (16) شد و چارپایان را برای غذا و پوشاک و یاری و زیبایی آفرید (نحل) و او را از آب و خاک بر فطرت خود در زمین صورت داد، و بر آن‌گاه که اراده او بر خلقت احسن قرار گرفت، حجر (۱۵): ۲۸؛ روم (۳۰): ۳۰؛ بقره (۲): ۳۰. عالم را مسخر انسان کرد تا با (عالمیان، خلیفه خود ساخت ؛ 74: (39) تلاش خود و با عمل صالح، راه خدا را ببیماید و وارث زمین شود (لقمان (۳۱): ۲۰؛ زمر کار و راه‌های آن‌را (15): (67) زمین را آباد سازد و بر دوش آن سوار و آن‌را رام کند. (هود (۱۱): ۶۱؛ ملک که بر شاگله ذات او است (اسراء (۱۷): ۸۶)، بیابد و از آن بهره گیرد (زحرف (۴۳): ۱۰). همچون کار خدا کار کند تا آن‌گاه که به خاک بر می‌گردد، زمین مرده را حیات آدمی هم بر مثل شاگله و فطرت الهی خود همه نعمت باری تعالی باشد. تمام عزت و قدرت از آن خدای قادر عزیز است که به بخشیده، و شکرگزار این خود ساخت (یونس اشاره‌ای، عالم بدیع را رقم زد و انسان را برای آباد ساختن این مزرعه زندگی، جانشین که هدایت، آن‌را به‌دنبال دارد (طه (۱۰): ۶۵؛ بقره (۲): ۱۶۵). خداوند با صنعتگری تمام، خلقتی را رقم زد مطیع اشاره اویند (نحل (۱۶): ۴۹ و ۵۰). در سراسر وجود (۲۰): ۵۰). همه مقهور امر او و ملائکه، مأمور و الهی در عالم مادی سکون بر نمی‌تابد. جوهره عالم در تب و تاب به‌سر عالم، حرکت سریان دارد و فعل هدف خود روان است. بیکاری و بی‌هدفی در هیچ ذره‌ای از می‌برد و در پی

انشقاق (۸۴): ۶). هدف (عالمیان راه ندارد. همه در مسیر حق روان، و از او به سوی او در حرکت و تلاشند وجود گم نمی‌شود و آثار آن‌را در دو سرا آفرینش، کار نیک انسان‌ها است، و کار نیک انسان‌ها در صفحه 30): (مشاهده می‌کند (ملک (۶۷): ۲؛ کهف (۱۸)

مؤثر است. کارگران، کار همچون وجود، در تمام شؤون عالم دخالت دارد. کار و کارگر در وجود تمام اشیا امام خمینی، (۱۳۷۹: ج ۷، ۱۷۲). کار او هر (جلوه کار الهی‌اند. حق تعالی، مبدأ کارگری است و فعال است ندارد (رحمن (۵۵): ۲۹). او زنده می‌کند و می‌میراند؛ حکمت القا دم نو و تازه است و تکرار در کار او راه را ارسال و از زبان پیامبرانش به همه مژده می‌دهد که عمل صالح انسان، اندیشه پاک او می‌کند و وحی را (ارتقا می‌بخشد (فاطر (۳۵): ۱۰

ذکر کرد. فالق الحبّ افعال بسیاری به خداوند در قرآن و احادیث نسبت داده شده است که می‌توان برخی را بدیع السموات و الارض، رزاق، شدیدالمحال (نیرومند)، (والنوی (شکافنده دانه و هسته)، باری (پدید آورنده پادارنده)، مصور (صورت ده)، الصانع، الباسط، المبدئ، المعید، الباعث، الضار، فاطر (خالق)، قیوم (به می‌کند المعطی، و ده‌ها اسم و صفت که دلالت دارد خداوند در آفرینش عالم و تغییر آن فعالیت قرار می‌گیرد (الطباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۵ - ۶۲)؛ بنابراین افعال الهی هم در تعریف کلی کار

نحل (۱۶): ۵۰). آن‌ها (از طرف دیگر، ملائکه هم به امر الهی مطیع هستند و اوامر او را انجام می‌دهند الهی را به مؤمنان می‌رسانند (آل عمران وظیفه تبلیغ را به عهده دارند (یس (۳۶): ۱۷). گاه امداد می‌آورند (حجر (۱۵): ۵۸). آن‌ها کارگزاران نظام آفرینش و (۳): (۱۲۵) و گاه عذاب را بر ناسپاسان فرود هستند به‌وظایف خود آشنا و عامل

عین آن است عمل انسان‌ها در نظام ارزشی دین، گاه عمل صالح و گاه عمل زشت، و جزای هر یک مثل و حیات‌طیبه را در پی دارد و (غافر (۴۰): ۴۰؛ کهف (۱۸): ۸۸؛ یس (۳۶): ۵۴، زمر (۳۹): ۷۰). عمل صالح، و در مقابل آن زیان عمل بد است (46): (41) خیر آن به عامل آن باز می‌گردد (نحل (۱۶): ۹۷؛ فصلت انجام می‌دهد. کار و عمل صالح مطلوب دین است و برای اصلاح که اول متضرر آن، انسانی است که آن را مسیر حق و متناسب با نظام آفرینش قرار دهد. هر عملی که از ایمان او سرچشمه عمل باید کارها را در نشانه ایمان قلمداد شود، عمل صالح است بگیرد و

عمل به جهت‌دهی آن گرچه نمونه‌های بارز عمل صالح اعمال عبادی است (نماز، حج، جهاد و...)، صلاحیت عملی که به ظاهر عبادت است، گاه بستگی دارد، نه به نوع آن؛ پس کار کشاورزی گاه عمل صالح است، و عمل صالح نیست

می‌شود چه به بر اساس آن چه گذشت، آشکار می‌شود که کار در یک تعریف کلی، شامل هر نوع فعالیت یا دنیایی؛ عمل موجود مادی قصد دریافت ما به ازای مالی آن انجام شود یا نه؛ هدف آخرتی داشته باشد تولیدی باشد یا کار خدماتی؛ عمل عبادی باشد یا باشد یا مجرد؛ کار یدی باشد یا کار فکری؛ کار صنعتی و عمل اقتصادی

2. کار و قضا و قدر الاهی

برخی پدیده‌ها معلول در دیدگاه توحیدی، خداوند، عالم را به صورت علی و معلولی پدید آورده است؛ یعنی معلول استوار است و سلسله علل به خدا و متأثر از دیگر پدیده‌هایند. نظام عالم بر اساس قانون علت و معلول خدا هستند و از فیض او بهره می‌گیرند. در دیدگاه منتهی می‌شود. به عبارت دیگر، تمام موجودات، فقر و ربطند و سلسله علل و معالیل مجرای فیض هستند، نه علت و هستی حکمت اسلامی، موجودات عین می‌اندازد توحید افعالی هم این است که نظام عالم را مشیت الاهی در تمام مراتب به جریان بخش. معنای

جهان از آن جهت قضا به معنای حکم و قطع و فیصله دادن، و قدر به معنای اندازه و تعیین است. حوادث مقضی به قضای الاهی هستند و از آن که وقوع آن‌ها در علم و مشیت الاهی قطعیت و تحتم یافته است، آن‌ها تعیین شده است، مقدر به تقدیر الاهی‌اند. حوادث جهت که حدود و اندازه و موقعیت مکانی و زمانی نبوده و آن چنان نیست که نظام اسباب و مسبب در کار نباشد و تمام حوادث عالم بی‌ارتباط باهمدیگر یک‌دیگر ناحیه باری تعالی آفریده شوند. بنابر اصل علیت عمومی، پیوند ضرور و قطعی حوادث با مستقیم از خود را از اموری مقدم بر و این که هر حادثه‌ای تحتم و قطعیت خود و همچنین تقدیر و خصوصیات وجودی اصل ضرورت علی و معلولی و اصل سنخیت از خود گرفته، امری مسلم و غیرقابل انکار است. اصل علیت و سرنوشت هر موجودی به دست موجودی دیگر است که اصول متعارفه علوم بشری است. طبق این نظر، را ایجاد کرده، و آن هم معلول نعمت دیگری است علت او است و ضرورت وجود و خصوصیات او

به قضا و قدر الاهی اعتقاد به قضا و قدر عمومی و این که هر حادثه‌ای و از آن جمله اعمال و افعال بشر اراده او را در کار دخیل ندانیم و قضا و است، مستلزم جبر نیست. این استلزام آن‌گاه رخ می‌دهد که بشر و بدانییم؛ زیرا ذات حق با اسباب و از راه علل خاصی در جهان تأثیر قدر را جانشین قوه و نیرو و اراده بشر

الاهی چیزی جز سرچشمه گرفتن نظام سببی و مسببی جهان از علم و اراده الاهی می‌بخشد. قضا و قدر بنابراین، عقیده جبر به اعتقاد به قضا و قدر الاهی ارتباطی ندارد نیست؛

اختیار و آزاد آفریده همچنین قبول اصل علیت عمومی با آزادی و اختیار بشر منافاتی ندارد. بشر دارای راه‌های متعدّد، بدون اجبار، یکی را برگزیند. شده است. به اوعقل و فکر و اراده اعطا شده تا در مواجهه با اراده و مشیت شخصی او مربوط می‌شود. طرز فکر و انتخاب او است که انتخاب یکی از آن‌ها به نظر و فکر و میزان معین می‌کند. در این‌جا شخصیت و صفات روحی و اخلاقی و سوابق تربیتی موروثی و راه خاصی را کار فقط به خواست عقل و دوراندیشی بشر تأثیر خود را به جا می‌گذارد. قطعیت یافتن یک راه و یک (شخصی او مرتبط است (ر.ک: مطهری، ۱۳۴۵

ج ۱، ۱۵۱؛ :مقصود از قضا و قدر حتمی و غیرحتمی که در متون دینی از آن یاد شده (کلینی، ۱۳۶۲ قدر در جریان عالم و مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۱۲۴)، این نبوده است که اختیار را انکار کنیم یا قضا و حتمی، قضا و قدر مربوط به موجودات دست‌کم در افعال و اعمال بشر را منکر شویم. مقصود از قضا و قدر گوناگون قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین، یک نوع سرنوشت مجرد است که یک‌نحو وجود دارند و تحت تأثیر علل شدن سلسله‌ای از علل به جای این سلسله نیست؛ اما در غیرمجردات که بیش‌تر ندارد؛ چون امکان جانشین و رنگ را دارند و تحت قانون حرکت هستند و همواره بر سر چند راهی قرار می‌گیرند، امکان هزاران نقش نمی‌کند؛ زیرا و قدرهای غیرحتمی وجود دارد؛ یعنی یک نوع قضا و قدر، سرنوشت آن‌ها را معین قضا دارد، سرنوشت‌های مختلف سرنوشت معلول در دست‌علت است و چون این امور با علل گوناگون سروکار علل و عوامل مختلف مواجه می‌شود و تحت در انتظار آن‌ها است. ماده طبیعی، استعداد تکامل دارد و با متأثر از دیگری است. بیماری که مرضی سبب درد او شده تأثیر هر یک، حالتی می‌یابد که مخالف حالت علت دیگری است که سرنوشت او را تغییر می‌دهد. سرنوشت‌های گوناگون در است اگر دوا مصرف کند، دوا الاهی است و او می‌تواند یکی را برگزیند. اگر دوا بخورد و شفا یابد، به سبب قضا و قدر مواجهه با شخص اگر دوا است و

مطهری (۱۳۴۵:) نخورد و بیماری او را از پای درآورد، این هم به سبب سرنوشت و قضا و قدر الاهی است (۵۳).

سرچشمه همه عامل‌های قضا و قدر، عاملی در عرض سایر عوامل جهان آفرینش نیست؛ بلکه مبدأ و منشأ و مقابل سایر عامل‌ها و مجزاً از آن‌ها جهان است؛ از این رو محال است قضا و قدر، در شکل یک عامل در یا عامل خاصی را به کاری وادارد. جبر به معنای این‌که اکراه و ظاهر شود و جلو تأثیر عامل خاصی را بگیرد قدر بر انسان باشد، محال است؛ زیرا در عرض سایر عوامل نیست. بلی، برای مظاهر قضا اجبار از طرف قضا و او می‌دارد؛ اما این قدر ممکن است که یکی دیگری را به کاری وادارد؛ مثل این‌که انسانی دیگری را به کار و اراده انسانی است غیر از جبر اصطلاحی است که تأثیر قضا و قدر به طور مستقیم بر

بین کار نکردن و آباد در هیچ یک از آیات قرآن و روایات اولیای دین و عملکرد مسلمانان، نشانی از ارتباط آیات متعدّدی است که انسان را بر سرنوشت کردن دنیا و اعتقاد به قضا و قدر الاهی وجود ندارد. در قرآن، :خود مسلط قلمداد می‌کند و می‌فرماید

﴿يَأْتِفْسِهِمْ﴾ (رعد ۱۳): ۱۲ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

تغییر دهند خدا وضع هیچ مردمی را عوض نمی‌کند، مگر آن که خود آن‌ها وضع نفسانی خود را

3. ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (رعد ۱۳)

ما انسان را راه نمودیم؛ او خود سپاسگزار است یا ناسپاس

﴿روم (۳۰): ۴۱﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

در صحرا و دریا به واسطه کردار بد مردم فساد و تباهی پدید شده است

از آن‌جا حرکت کرد و در روایات آمده است که امیرالمؤمنان علیه‌السلام در سایه دیوار کجی نشسته بود می‌گریزی؟ فرمود: از قضای الهی به قدر زیر سایه دیوار دیگری قرار گرفت. به حضرت گفته شد: از قضا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم در آموزه‌های خود، برای (الاهی پناه می‌برم (الصدوق، ۱۳۹۸: ۳۶۹ می‌دانستند قضا و قدر را به گونه‌ای توضیح داد که با جبر فاصله بسیاری داشت. مسلمانان یاران خود مسأله و خداوند هر روز 40: (22) که اگر خدا را یاری کردند، خدا آنان را یاری می‌رساند. (محمد ۴۷): ۷؛ حج چه را بخواهد که پیش‌تر ثبت شده است، محو دست در کاری است (رحمن ۵۵): ۲۹ یا این که خداوند هر نشده است، ثبت می‌کند (رعد ۱۳): ۳۹؛ از این رو با اعتقاد به می‌کند و هر چه را بخواهد که پیش‌تر ثبت

مطهری ۱۳۴۵:) نخورد و بیماری او را از پای درآورد، این هم به سبب سرنوشت و قضا و قدر الهی است ۵۳).

سرچشمه همه عامل‌های قضا و قدر، عاملی در عرض سایر عوامل جهان آفرینش نیست؛ بلکه مبدأ و منشأ و مقابل سایر عامل‌ها و مجزاً از آن‌ها جهان است؛ از این رو محال است قضا و قدر، در شکل یک عامل در یا عامل خاصی را به کاری وادارد. جبر به معنای این که اکراه و ظاهر شود و جلو تأثیر عامل خاصی را بگیرد قدر بر انسان باشد، محال است؛ زیرا در عرض سایر عوامل نیست. بلی، برای مظاهر قضا اجبار از طرف قضا و وا می‌دارد؛ اما این قدر ممکن است که یکی دیگری را به کاری وادارد؛ مثل این که انسانی دیگری را به کار و اراده انسانی است غیر از جبر اصطلاحی است که تأثیر قضا و قدر به طور مستقیم بر

بین کار نکردن و آباد در هیچ یک از آیات قرآن و روایات اولیای دین و عملکرد مسلمانان، نشانی از ارتباط آیات متعددی است که انسان را بر سرنوشت کردن دنیا و اعتقاد به قضا و قدر الهی وجود ندارد. در قرآن، خود مسلط قلمداد می‌کند و می‌فرماید

﴿يَأْتِفْسِهِمْ﴾ (رعد ۱۳): ۱۲ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

تغییر دهند خدا وضع هیچ مردمی را عوض نمی‌کند، مگر آن که خود آن‌ها وضع نفسانی خود را

3. ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (رعد ۱۳)

• ما انسان را راه نمودیم؛ او خود سپاسگزار است یا ناسپاس

• (روم (۳۰): ۴۱) **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ**

• در صحرا و دریا به واسطه کردار بد مردم فساد و تباهی پدید شده است

از آن جا حرکت کرد و • در روایات آمده است که امیرالمؤمنان علیه السلام در سایه دیوار کجی نشسته بود می گریزی؟ فرمود: از قضای الاهی به قدر زیر سایه دیوار دیگری قرار گرفت. به حضرت گفته شد: از قضا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم در آموزه های خود، برای • (الاهی پناه می برم (الصدوق، ۱۳۹۸: ۳۶۹ می دانستند قضا و قدر را به گونه ای توضیح داد که با جبر فاصله بسیاری داشت. مسلمانان یاران خود مسأله ، و خداوند هر روز (40: 22) که اگر خدا را یاری کردند، خدا آنان را یاری می رساند. (محمد (۴۷): ۷؛ حج چه را بخواهد که پیش تر ثبت شده است، محو دست در کاری است (رحمن (۵۵): ۲۹) یا این که خداوند هر نشده است، ثبت می کند (رعد (۱۳): ۳۹)؛ از این رو با اعتقاد به می کند و هر چه را بخواهد که پیش تر ثبت

مطهری (۱۳۴۵):) نخوردو بیماری او را از پای در آورد، این هم به سبب سرنوشت و قضا و قدر الاهی است (۵۳).

سرچشمه همه عامل های قضا و قدر، عاملی در عرض سایر عوامل جهان آفرینش نیست؛ بلکه مبدأ و منشأ و مقابل سایر عامل ها و مجزاً از آن ها جهان است؛ از این رو محال است قضا و قدر، در شکل یک عامل در یا عامل خاصی را به کاری وادارد. جبر به معنای این که اکراه و ظاهر شود و جلو تأثیر عامل خاصی را بگیرد قدر بر انسان باشد، محال است؛ زیرا در عرض سایر عوامل نیست. بلی، برای مظاهر قضا اجبار از طرف قضا و او می دارد؛ اما این قدر ممکن است که یکی دیگری را به کاری وادارد؛ مثل این که انسانی دیگری را به کار و اراده انسانی است غیر از جبر اصطلاحی است که تأثیر قضا و قدر به طور مستقیم بر

بین کار نکردن و آباد در هیچ یک از آیات قرآن و روایات اولیای دین و عملکرد مسلمانان، نشانی از ارتباط آیات متعددی است که انسان را بر سرنوشت کردن دنیا و اعتقاد به قضا و قدر الاهی وجود ندارد. در قرآن، خود مسلط قلمداد می کند و می فرماید

• (بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد (۱۳): ۱۲) **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا**

• تغییر دهند خدا وضع هیچ مردمی را عوض نمی کند، مگر آن که خود آن ها وضع نفسانی خود را

• (3): **(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)** (رعد (۱۳)

• ما انسان را راه نمودیم؛ او خود سپاسگزار است یا ناسپاس

• (روم (۳۰): ۴۱) **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ**

• در صحرا و دریا به واسطه کردار بد مردم فساد و تباهی پدید شده است

از آن جا حرکت کرد و در روایات آمده است که امیرالمؤمنان علیه السلام در سایه دیوار کجی نشسته بود می گریزی؟ فرمود: از قضای الاهی به قدر زیر سایه دیوار دیگری قرار گرفت. به حضرت گفته شد: از قضا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم در آموزه های خود، برای (الاهی پناه می برم (الصدوق، ۱۳۹۸: ۳۶۹ می دانستند قضا و قدر را به گونه ای توضیح داد که با جبر فاصله بسیاری داشت. مسلمانان یاران خود مسأله ، و خداوند هر روز (40: 22) که اگر خدا را یاری کردند، خدا آنان را یاری می رساند. (محمد (۴۷): ۷؛ حج چه را بخواهد که پیش تر ثبت شده است، محو دست در کاری است (رحمن (۵۵): ۲۹) یا این که خداوند هر نشده است، ثبت می کند (رعد (۱۳): ۳۹)؛ از این رو با اعتقاد به می کند و هر چه را بخواهد که پیش تر ثبت

مطهری (۱۳۴۵:) نخورد و بیماری او را از پای در آورد، این هم به سبب سرنوشت و قضا و قدر الاهی است (۵۳).

سرچشمه همه عامل های قضا و قدر، عاملی در عرض سایر عوامل جهان آفرینش نیست؛ بلکه مبدأ و منشأ و مقابل سایر عامل ها و مجزاً از آن ها جهان است؛ از این رو محال است قضا و قدر، در شکل یک عامل در یا عامل خاصی را به کاری وادارد. جبر به معنای این که اکراه و ظاهر شود و جلو تأثیر عامل خاصی را بگیرد قدر بر انسان باشد، محال است؛ زیرا در عرض سایر عوامل نیست. بلی، برای مظاهر قضا اجبار از طرف قضا و وا می دارد؛ اما این قدر ممکن است که یکی دیگری را به کاری وادارد؛ مثل این که انسانی دیگری را به کار و اراده انسانی است غیر از جبر اصطلاحی است که تأثیر قضا و قدر به طور مستقیم بر

بین کار نکردن و آباد در هیچ یک از آیات قرآن و روایات اولیای دین و عملکرد مسلمانان، نشانی از ارتباط آیات متعددی است که انسان را بر سرنوشت کردن دنیا و اعتقاد به قضا و قدر الاهی وجود ندارد. در قرآن، خود مسلط قلمداد می کند و می فرماید

(بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد (۱۳): ۱۲) إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا

تغییر دهند خدا وضع هیچ مردمی را عوض نمی کند، مگر آن که خود آن ها وضع نفسانی خود را

(3): (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (رعد (۱۳))

ما انسان را راه نمودیم؛ او خود سپاسگزار است یا ناسپاس

(روم (۳۰): ۴۱) ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

در صحرا و دریا به واسطه کردار بد مردم فساد و تباهی پدید شده است

از آن جا حرکت کرد و در روایات آمده است که امیرالمؤمنان علیه السلام در سایه دیوار کجی نشسته بود می گریزی؟ فرمود: از قضای الاهی به قدر زیر سایه دیوار دیگری قرار گرفت. به حضرت گفته شد: از قضا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم در آموزه های خود، برای (الاهی پناه می برم (الصدوق، ۱۳۹۸: ۳۶۹ می دانستند قضا و قدر را به گونه ای توضیح داد که با جبر فاصله بسیاری داشت. مسلمانان یاران خود مسأله

، و خداوند هر روز (40: 22) که اگر خدا را یاری کردند، خدا آنان را یاری می‌رساند. (محمد(۴۷): ۷؛ حج چه را بخواهد که پیش‌تر ثبت شده است، محو دست در کاری است (رحمن (۵۵): ۲۹) یا این که خداوند هر نشده است، ثبت می‌کند (رعد (۱۳): ۳۹)؛ از این رو با اعتقاد به می‌کند و هر چه را بخواهد که پیش‌تر ثبت

خواستۀ خداوند قضا و قدر الاهی هیچ‌گاه از کار و تلاش باز نمی‌ایستادند و عقب‌افتادگی خود را نمی‌داستند

تقدیر میان هر ملّتی شایع به تعبیر مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی، غافلان فرهنگی می‌پندارند اعتقاد به ملّت رخت بر می‌بندد و صفات ناپسندیده و راسخ شود، همّت و قوّت و شجاعت و دیگر فضایل از میان آن فساد اخلاقی و تفرقه و جهل و تسلیم، همه نتیجه اعتقاد مسلمانان اعمّ از فقر و ضعف نظامی و سیاسی و حالی که آنان میان جبر و قضا و قدر تفاوت قائل نشده‌اند (مطهری، ۱۳۴۵: ۲۴ - به قضا و قدر است؛ در زمان که متأسّفانه عقب‌ماندگی مسلمانان را به اعتقادات آن‌ها نسبت دادند. روشن نیست چرا آن ۲۵)، و آن‌ها را اعتقادات اسلامی دروازه‌های اروپا را علم و تمدّن و سپاهیان اسلام فتح کرد، کسی علّت ترقّی عمل به اسلام ضعیف شد و زمینه سلطه مغرب ندانست؛ اما آن‌گاه که اوضاع داخلی و خارجی تغییر کرد و برآوردند که عامل عقب‌افتادگی مسلمانان، دین آن‌ها است و با زمینیان را فراهم کرد، همه داد سخن مطالعات عمیق، نسخه نجات مسلمانان را گرایش به افکار غرب مطرح کردند! و چه زشت تحقیقات عرشی و گسترش یابد قبیح است که بین ما هم این آموزه‌های مستشرقین ترویج شود و به صورت علم و پژوهش و ((مطهری، ۱۳۴۵: ۱۰۲ - ۱۱۷

علل و اسباب در خاتمه این بحث این نکته هم تذکر داده شود که طبق جهان‌بینی توحیدی افزون بر به عبارت صحیح‌تر، قضا و قدر طبیعی، عوامل غیرمادی هم می‌تواند در قضا و قدر الاهی مؤثر باشد یا مستحکم را بر می‌گرداند یا این که گناهان، مرگ جدیدی را رقم زند. در احادیث آمده است که دعا، قضای طولانی می‌کند (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۱۴۰؛ کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، زودرس می‌آورد و احسان و نیکی عمر را ۴۶۹).

3. کار و رزاقیت الاهی

اللّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ . خداوند رزق و روزی را برای هر کس که می‌خواهد گسترده می‌سازد یا محدود می‌کند جنبه‌ای در زمین نیست جز آن که رزق و روزی او بر عهده خدا لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ (رعد (۱۳): ۲۶) و هیچ نخواهد، بدون حساب فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (هود (۱۱): ۶) و خداوند هر که را است. وَمَا مِنْ دَابَّةٍ بقره (۲): ۲۱۲). در آیات متعددی از کتاب خدا این (روزی می‌دهد. وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ در احادیث عدیده‌ای آمده است که «رزق انسان مضمون است و کسی مضامین به چشم می‌خورد. از طرفی مضمون شود» (مجلسی نمی‌تواند مانع رزق

انسان را می‌طلبد و ج ۷۷، ۱۸۷). «رزق دو نوع است: رزقی که انسان به دنبال آن است و رزقی که 1374: پی رزق فردا مباش که خداوند فرموده اگر به آن نرسد، او را در می‌یابد» (رضی، ۱۳۹۵: حکمت ۳۷۹). «در ۲، ۳۵۶. امام صادق علیه السلام فرموده 1392 هر جنبه‌ای رزقش بر عهده او است» (طبرسی،

بیش از آن چه برای او در امیرالمؤمنانعلیه‌السلام بسیار می‌فرمود: بدانید یقیناً که خداوند برای بنده‌اش (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۱۰۳، ۳۳ و ۳۵ و ج ۷۷،) نظر گرفته، قرار نمی‌دهد؛ هر چند بکوشد و چاره‌اندیشی کند از این مطلب ممکن است کسی توهم کند که (۶۸؛ مفید، ۱۴۰۳: ۲۰۷؛ رضی، ۱۳۹۵: حکمت ۲۳۷ اگر خدا ضامن روزی است، و سهم هر کس در هر صورت به . کوشش او هیچ اثری در رزق و روزی او ندارد چرا؟ در این جا معنای رزاقیت الهی باید مشخص شود و همچنین او خواهد رسید، تلاش در کسب روزی مواردی یافت شود که آیات و احادیث پیشین را توضیح و تفسیر کند، باید کنار هم قرار اگر در متون دینی ارتباط آن با اختیار و گیرد تا معنای کلی آن‌ها روشن شود؛ البته با روشن شدن معنای قضا و قدر الهی و عملکرد انسان، اشکال تا حدی رفع شده است

افراد تحت تکفل تعهد و ضمانت الهی در روزی رساندن با تعهد انسانی یکسان نیست که برای فرزند و است. هر موجودی به اموری مجهز است خود غذا را فراهم می‌سازد. رزاقیت خدا در جهت نظام عالم تکوین کفایت الهی در روزی رساندن به افراد به این صورت . که او را هدایت و یاری می‌کند تا خود را حفظ کند دفع و هضم و لذت و... را دارد و به حفظ جان خود مایل است. این‌ها است که میل و غرایز و قوای جذب و الهی هستند و باعث شده است که آدمی به طور طبیعی به دنبال گیاه برود تا سفره خود را مظهر رزاقیت می‌یابد از آن پر کند یا با بهره‌گیری از عقل و ابتکار خود، راه حفظ ساختمان بدن را

موجودات تأمین می‌شود و رازق بودن او به این است که موجودات نیازمند رزق هستند و رزق آن‌ها از دیگر بچه شیرخوار را در سینه مادرش قرار موجود دیگر، به شکل و ترتیبی در وجود او تحلیل می‌شود. روزی می‌شود و هر چه فرد بزرگ‌تر می‌شود، روزی خود را داده، شیر مادر در بدن بچه جذب و هضم و تحلیل گیاهان را به گونه‌ای ساخته است که میل به آب و مواد معدنی زمین دارند . باید به گونه دیگر به دست آورد آب خود را و نور بهره‌مند می‌شوند. حیوانات برای کسب روزی، وسیله حرکت دارند تا بتوانند غذا و از هوا که موجود برتر نه از دل زمین، بلکه از روی درختان و روی زمین به چنگ آورند. برای انسان

در اختیار او نهاده به شمار می‌رود، فاصله بین روزی و روزی خود افزون است؛ بنابراین، وسائل بیش‌تری وظایف انسان را مقرر کرده‌اند. روزی شده و دستگاه هدایت او با عقل و علم و وحی و نبوت تقویت شده و انسان باید از تمام قوا و استعداد خود برای یافتن روزی بهره . رساندن خداوند از این مجاری صورت می‌گیرد (به دست آورد (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۰۱ - ۱۱۱ گیرد تا روزی خود را

روشن می‌شود که معنای افزون بر مطالب پیش گفته با دقت در مضامین آیات و روایات و سیره اولیای دین، همان‌طور که در مباحث آینده متذکر . روایات و آیات گذشته بیکاری و رها کردن طلب روزی نیست امامان علیهم‌السلام خود، کار اقتصادی انجام می‌شویم، سیره اولیای دین مشحون از مواردی است که می‌کوشیدند می‌دادند و در این راه بسیار

دستان بندگان خود قرار یکی از یاران امام صادقعلیه‌السلام به حضرت گفت: از خدا بخواه که روزی مرا بر دست دیگری قرار داده است؛ ولی دعا کن که ندهد. فرمود: خداوند ابا دارد از این امر و روزی هر یک را به دهد (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۷۸، ۲۴۴). در روایات بسیاری، افراد به روزی تو را بر دستان بهترین بندگان قرار بدنی تشویق شده‌اند (همان: ج ۱۰۳، ۱۳۶؛ عاملی، ۱۳۸۳: ج ۱۲، ۱۱) و با کسانی طلب روزی با انجام کار

می‌کند طلب روزی دست می‌کشند با دید منفی برخورد شده است؛ البته برخی از متون دینی تأکید که از روزی خاص خداوند که در که چنانچه انسان، راه تقوا و نیکوکاری و عمل به وظایف دینی را پیشه سازد، **اللَّهُ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** گمان و فکر نمی‌گنجد، بهره‌مند خواهد شد: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا** (طلاق (۶۵): ۳)؛ اما باید **يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ وَرَأَى** اگر انسان کسی که توان کار دارد، انجام کار، نشانه تقوا و کار نکردن نشانه بی‌تقوایی است توجه کرد برای امداد الهی هم فرا می‌رسد مسیر حق را بپیماید و بر خدا توکل کند و در راه سختی‌ها صبور باشد،

شفاعت، تقیّه، انتظار فرج و اعتقاد به معاد و ارتباط آن با کار 4.

کاهلی می‌شود؛ یعنی فرد با در ذهن برخی افراد، اعتقاد به شفاعت، تقیّه، انتظار فرج و معاد و قیامت، باعث به سبب در دل داشتن محبت اولیای دین مورد اتکا به این که هر کاری انجام دهد و هر گونه رفتار کند، تقیّه می‌توان با هر نوع مشکل و درد و رنج و بی‌دینی کنار آمد. یا شفاعت آن‌ها قرار می‌گیرد یا با تکیه بر دارد در انتظار گشایش و تحولات مؤمن فقط وظیفه

رامی‌پذیرد و به هر مثبت آینده باشد و به کوشش نیاز ندارد و فرد به جهت اعتقاد به قیامت هر سختی و او باید فقط در فکر ساختن امری تن می‌دهد چون می‌داند در دیگر عالم پاداش بهشت خواهد داشت. آخرت خود باشد، نه آباد کردن دنیای زودگذر

متنافی نیست. این اعتقادات، متون دینی روشن می‌سازد که هیچ‌کدام از این اعتقادات با کار و تلاش مابین و امور غیراختیاری میدان را ترک نکنند. در احادیث فرد در صحنه عمل را امیدوار می‌کند تا با رخ دادن انجام عمل در حدّ توان در فکر شفاعت باشد، نصیبی از شفاعت نخواهد متعدّد آمده است: هر آن که بدون اولیای دین، کسی است که خدا را اطاعت و تقوا پیشه می‌کند و فرایض و وظایف را انجام برد و پیرو واقعی (می‌دهد) امام خمینی، ۱۳۷۲: حدیث ۳۳

اهل ظلم به آینده انتظار فرج هم نوعی صبر برای شخصی است که باید در مواجهه با عقاید باطل و تسلط پایدار بماند تا زمینه‌های تغییر اوضاع درخشان اهل تقوا امیدوار باشد و تسلیم بی‌دینی و بی‌ایمانی نشود؛ دین را اجرا کنند. این انتظار فرج، سازنده و تحرک بخش فراهم آید. پرهیزگاران بر زمین حاکم شوند و می‌کند که در دوران حاکمیت باطل، از راه حق دست بردارند و با کوشش، زمینه است و افراد را متعهد نگه داشته، واپسین را پدید آرند. با این امیدها است که جامعه دینی در اوضاع نامساعد خود را ظهور منجی آماده، اهداف دینی را اجرا هیچ‌گاه در فرهنگ غیر خودی هضم نمی‌شود تا هرگاه فرصت بیابد، با نیروهای (کند). (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۱ - ۶۸)

است عملکرد او فقط در دنیا اعتقاد به معاد نه تنها انسان را از کار باز نمی‌دارد، بلکه هر گاه شخص معتقد می‌گذارد؛ کار خیر فقط پاداش دنیایی ندارد و اثر ندارد، بلکه در عالم دیگر به صورت ابدی اثر خود را اثرش پدید آمدن دوزخ الهی است، مؤمن در عملکرد خود دقت بهشت عدن را پدید می‌آورد و کار زشت، که در می‌یابد کم‌کاری و بی‌کاری افزون بر ذلت دنیایی، مطرود دین است و در بیش‌تری می‌کند و آن‌گاه

مباحث آینده آخرتی او اثر سوء دارد، دست به فعالیت می‌زند و در انجام بهترین عمل می‌کوشد. در حیات روشن می‌شود اعتقادهای دستوره‌های دین درباره ارزش کار اقتصادی را مطرح می‌سازیم و بر اساس آن، سازگار است پیشین، به طور کامل با تلاش در جهت ساختن دنیا

5. نظام اخلاقی دینی و هماهنگی با کار اقتصادی

موارد، منافعی کار در نظام اخلاقی اسلام به مواردی از خصوصیات مثبت اخلاقی تأکید شده و گاه این زهد و ترک دنیا، اقتصادی قلمداد می‌شود. برخی از این اخلاقیات عبارتند از توکل،

ارتباط آن با کار صبر بر مصیبت‌ها و بلاها، قناعت. اکنون توضیح مختصری درباره هر یک خواهیم داد تا اقتصادی و گسترش تولید جامعه مشخص شود

توکل 5-1

به آن چه توکل تضمین الاهی است برای کسی که حامی و پشتیبان حق است به این معنا که انسان اعلام کرده، هر کس راه حق را مقتضای حق است عمل، و در این راه به خدا اعتماد کند. خداوند به همه و از راهروان طریق حق حمایت می‌کند؛ یعنی در پیش گیرد، به نتیجه می‌رسد و خداوند نتیجه را تضمین، خداوند منحرف نشد و به حمایت او اعتماد کرد اعمال باید در راه حق کوشید و از راه

نیست. کار نکردن معنای توکل، تعطیل کردن قوا و اعتماد به خدا که او به جای شخص عمل انجام دهد مطرح شده که مسلمان امر خطیری وسکون، تضمین الاهی را در پی ندارد. در آیات قرآن. توکل در موردی ایجاد اطمینان معنوی از بین می‌برد. مؤمن، وکالت خدا را باید انجام دهد و خداوند دلهره و نگرانی او را با حَسْبُهُ إِنَّ او را بر اعتماد به دیگران ترجیح می‌دهد: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ كَافِيٌ مِي دَانْد و اعتماد به قَدْرًا» (طلاق (۶۵): ۳). این آیه به مسلمان تذکر می‌دهد که باید در امر اللّٰه بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَاْرغ شدن از خانواده، قوانین الاهی را مراعات کند تا عاقبت خیر برای او پدید آرد. مسلمان با مربوط به کسی است که به سبب عدم خود و تمایلات نفسانی فقط به حقیقت اعتماد می‌کند. غیر متوکل بر خدا، است. «إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ رَجُلَانِ سِرْپَرَسْتِي خِدَاوند به حال خود رها، و از طریق حق منحرف شده بِدْعَةٌ...» (الرضی، ۱۳۵۹: خطبه ۱۷، إِلَى نَفْسِهِ فَهُوَ جَائِرٌ عَن قَصْدِ السَّبِيلِ مَشْعُوفٌ بِكَلَامِ رَجُلٍ وَكَلَّةُ اللَّهِ تَوَكَّل و اعتماد به اوبه دنبال هوای نفس گمراهی را (۵۹). چنین کسی به سبب پیمودن راه خدا و عدم راه زندگی محروم می‌شود. پیامبران الاهی در جریان دعوت مردم به دین می‌پیماید و از هدایت‌های حق در يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ: می‌فرمودند عَلَى مَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصَبِرَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَمَا لَنَا إِلَّا اِبْرَاهِيم (۱۴): (۱۱ - ۱۲). پیامبران در مقام صبر بر آزار مشرکان، (أَدَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ اِرَادَه وظيفه تبلیغ را انجام می‌دادند و بر خدا اعتماد می‌کردند. با توکل عوامل سست کردن هدایت الاهی و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور می‌دهد که با نابود می‌شود (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۱۲). همچنین خداوند به آن‌گاه که تصمیم و عزم مؤمنان در امور مشورت کن و

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران(۳): ۱۵۹). بر کاری گرفتی، بر خدا توکل نما: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ». مقام کار و تصمیم‌گیری مهم اجتماعی است توکل مربوط به

زهد، قناعت و ترک دنیا 2-5

اندازه که دین مردم را به از ویژگی‌های پسندیده مؤمنان خدا بی‌اقتبالی به دنیا و زخارف آن است. به همان اما معنای زهد و ترک دنیا این نیست که آخرت و حقیقت سوق می‌دهد، از دنیا و زینت آن گریز می‌دهد؛ کالا و... فعال نباشد. اهل دنیا کسی است که هدفی جز دنیا شخص در امور دنیایی مثل کسب مال و تولید او را از راه خدا باز دارد، «إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (نجم (۵۳): ۲۹). آن که علاقه به مال و زن و فرزند، ندارد: «لَمْ يَرِدْ» گسترش راه حق استفاده می‌کند، اهل آخرت، و عمل اهل دنیا است؛ اما آن که از تمام تنعمات دنیایی برای نمی‌شود که اگر مانع راه حق شد، او را نراند یا ادب نکند. آن که در او ستوده است. علاقه به فرزند باعث راهی را برگزیند و به حلال و حرام آن توجه نکند، اهل دنیا است. انسان ذاتاً دوستدار کسب مال، هر دنیا را مسجد و لذت‌های دنیایی است؛ ولی برخی آن را بر امر الهی ترجیح می‌دهند. در مقابل، گروهی مزرعه آخرت می‌کنند

کردن و جلوگیری قناعت هم که از ویژگی‌های مؤمنان و خردمندان به‌شمار می‌رود، معنای درست مصرف تولید کرد؛ البته هر گاه کاری با امور از اسراف و تبذیر مال است نه آن که در بُعد تولید باید قناعت، و کم آن باعث ضرر معنوی به شخص شد، بی‌شک دین مبین معنوی تراحم یافت و مشغول شدن بیش از حد به باعقب‌افتادگی اقتصادی نمی‌داند و مانع دوری انسان از ارتقای روحی می‌شود ضرر معنوی را قابل مقایسه

می‌کند، سرگرم‌شدن زهد به معنای کم مصرف کردن برای بازده بیش‌تر است. دنیایی که زاهد آن را ترک در دین، به معنای ترک تلاش و کار و به تنعم و تجمل و دور افتادن از کمال انسانی است. دعوت به زهد را در مباحث آینده ذکر می‌کنیم که همگان را به کار ساختن دنیای آباد و مستقل نیست. روایات فراوانی عالم بیش از همه کار و تلاش اقتصادی انجام می‌داد و استفاده از خانه فرمان داده است. سرور زاهدان جهت خیرسانی به هم‌نوعان و دستگیری بیچارگان امر آخرتی می‌دانست (مطهری، ۱۳۵۴: گسترده را در دارد، رضی، ۱۳۹۵: خطبه ۲۰۹، ۳۲۴)؛ البته گاه شخصی به جهت مسؤولیتی که بر عهده 217 ۲۱۶ - اجتماع باید مراعات باید در مصرف به حداقل ممکن بسنده کند؛ زیرا امور مهمی وجود دارد که در

اقتصادی با کار شود. همچنین گاه برای کسی تحصیل علم واجب می‌شود؛ از این رو به جهت تراحم کار کار سخت‌تر را انجام دهد، نه مهم‌تر مجبور است از کار اقتصادی دست بکشد و به گسترش دین بیندیشد و این که بیکار بماند

لذت‌های دنیایی دست زاهد مصرف خود را کم می‌کند تا زمینه‌ایثار و کمک به غیر برای او فراهم شود. از جامعه را تأمین کند. نه آن که در افزایش می‌شوید تا به‌دیگرانی که نیازمند هستند، کمک کند و نیازمندان می‌تواند فعالیت دارد؛ ولی به آن دل نمی‌بندد. گاه زهد به سبب درآمد و تولید کوتاهی می‌کند؛ بلکه هر چه نشان افراد است. مؤمن در استفاده از نعمت‌ها زهد می‌ورزد تا همدردی خود را با دیگران همدردی با دیگر

برای آزادی و نفعی هر دهد. همان طور که گفته شد، این هدف زهد برای زمامداران نقش اساسی دارد و گاه را برای انسان پدید می‌آورد و آزادی گونه وابستگی است. بهره‌مندی از حلال به هر صورت نوعی دلبستگی جهت، پیامبران و اولیای دین خفیف‌المؤنه و سبک خرج و آزادی او را تحت شعاع قرار می‌دهد. به همین لذات معنوی نیز هست. امور پیشین اهداف زهد مثبت است، نه آن که زهد بودند. زهد زمینه بهره‌مندی و کسالت باشد (ر.ک: مطهری، ۱۳۵۹: ۱۶۰ - ۱۷۰؛ همو، ۱۳۶۵: ۱۲۵ - ۱۷۵؛ همو، زمینه تن‌پروری (۲۵۴؛ رضایی، ۱۳۸۰: ۱۳۵۴: ۲۱۰).

3-5. صبر بر بلا و رضا به قضای الهی

کسی ستوده است که در با توجه به آیات و روایات روشن می‌شود این سجدیة اخلاقی هم مانند توکل برای نمی‌رسد. از آن جا که انسان نمی‌تواند صحنه عمل و زندگی با همه کوششی که دارد، گاه به نتیجه دلخواه انسان‌ها را در اختیار خود بگیرد، گاه با همه زحمت، انتظار مجموع عوامل مؤثر بر طبیعت و دنیا و روحيات خلاف خواسته او رخ می‌دهد، در این جا باید تن به این علل و اسباب بدهد، از این رو او برآورده نمی‌شود و جمله «رضی حسین بن علی علیه السلام در صحنه جهاد در سخت‌ترین وضع پس از تحمل شداید بسیار، صبر و امر به تحمل شداید در بقضائک» را بر زبان راند و به یاران خود صبر را توصیه می‌کرد. دستور به می‌فرماید مسیر فعالیت است. خداوند به پیامبر مکرم اسلام

(35): (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلَاؤُا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ (احقاف) ۴۶)

می‌دیدند و در آن راه صبر پیامبران بزرگ خداوند در راه تبلیغ پیام الهی از معاندان و بی‌خبران آزار فراوان با تحمل زمستان و پیشه ساختند. با صبر، ثمره فعالیت به دست می‌آید. باغبان

میدان نبرد، دستور رسیدگی به درختان، ثمره درخت را می‌چیند. خداوند در آیات متعدّد به مجاهدان در انفال (۸): ۶۵-۶۶؛ بقره (۲): ۲۴۹؛ صبر می‌دهد و با صبر، هر نفر مؤمن، بر ده نفر غالب می‌شود: مؤمنان این جمله است آل عمران (۳): ۱۲۰، ۱۲۵). همچنین از دعاهای

(250): (رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدامَنَا (بقره) ۲)

کرد و از عمل و مؤمن از خداوند در مقام ثبات قدم، صبر می‌طلبد. در موقعی که باید سختی را تحمل چاره‌ای جز تحمل مصیبت و بلا را ندارد، فعالیت خسته نشد، صبر می‌طلبد و آن گاه که توان تغییر اوضاع و ادامه می‌دهد به صبر استقامت می‌جوید و فعالیت را

6. اسوه‌های عملی

آیات و احادیث، از ارزش کار اقتصادی در متون دینی چنان است که برترین انسان‌ها به آن می‌پرداختند. اقتصادی داشتند آدم تا خاتم را به صورتی معرفی می‌کند که برای تأمین زندگی، کار

آشامیدنی شد. مشکل را با امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه که آدم به زمین هبوط کرد، نیازمند به غذا و ، و فرمود: خداوند روزی (28، 5 جبرئیل طرح کرد. جبرئیل گفت: کشاورزی کن (کلینی، ۱۳۶۲: ج هیچ گاه از باران ناخرسند نباشند. (همان). شغل شبانی پیامبران را در کشت و زراعت (دامداری) قرار داد تا چگونگی راهبری انسان‌ها را بیاموزند (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۱۵؛ هندی، را همه انبیا انجام می دادند (11) ۱۴۰۹: ج ۴).

مگه، به تجارت درباره پیامبر اسلام روایات دلالت دارد که افزون بر شبانی گوسفندان در اطراف خدیجه فعالیت داشت و پس از هم می پرداخت. قبل از نبوت در جایگاه عامل تجاری، در کاروان حضرت ج ۵، ۷۵؛ هندی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۱۱؛ 1362: بعثت، گاه برای تأمین زندگی خرید و فروش می کرد (کلینی، (می کاشت (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۷۴ مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۹؛ ج ۱۷، ۳۰۸)؛ و گاه نهال

رو می آورد. از حضرت زندگی امیر مؤمنان علیه السلام مشحون از مواردی است که برای تأمین زندگی به کار مدینه در جستجوی کار بر آمدم. نقل شده است که روزی گرسنگی شدیدی به من دست داد. در اطراف قرار گذاشتم که در مقابل هر خشت، یک دانه به زنی برخوردم که کلوخ برای گل کردن جمع کرده بود آن که دستانم تاول زد؛ آن گاه شانزده دانه خرما گرفتم و به خدمت خرما مزد بگیرم. شانزده عدد ساختم تا حضرت از (324) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسیدم و با من از آن خرما خورد (حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۵، مال و زحمت بازوی خود هزار

پدید آورد و به آب برده آزاد (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۷۴)، و باغ‌های بسیاری احداث کرد. چاه‌های متعددی کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۷۵). هر گاه از جهاد رساند و آنان را در راه خدا وقف کرد (طوسی، ۱۴۰۱: ج ۹، ۱۴۸؛ بین آن‌ها فرصت می یافت و آن گاه که فراغت می یافت، در باغ فارغ می شد، برای آموزش به مردم و داوری که ذاکر خدا بود (حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۵، ۳۴۴). امام سجاد علیه السلام هر صبح خود کار می کرد، در حالی برای رزق از منزل بیرون می رفت. به او گفته شد کجا می روی؟ فرمود: برای گرفتن صدقه خدا برای طلب صدقه داده است (حرّ) خانواده ام می روم؛ هر کس طلب مال حلال کند، به منزله کسی است که خداوند به او (عاملی، ۱۳۸۳: ج ۱۲، ۴۳؛ ر.ک: حسینی، ۱۳۸۰: ۲۸۶۳۰۱).

علی امام صادق علیه السلام نقل می کند که محمد بن منکدر می گفت: گمان نمی کردم از علی علیه السلام را در اطراف بن الحسین علیه السلام فرزندی برتر از او به جا بماند تا آن که روزی محمد بن کرده است. با خود گفتم، سبحان الله بزرگی از مدینه در گرمای شدید دیدم که بر دو غلام خود تکیه وضعیت در طلب دنیا و کسب مال است؛ او را موعظه خواهم داد. سلام بزرگان قریش در این وقت و با این حالی که عرق از سر و رویش می ریخت؛ پاسخ داد. گفتم خداوند خیرت دهد. تو بزرگ قریش کردم و او در مقابل خداوند با این وضعیت در این موقع، اگر هم اکنون مرگت فرا رسد، چه می کنی و چه پاسخی در خدا هستم. خود و خانواده ام را خواهی داشت. فرمود: اگر مرگم در این حال رسد، در حال اطاعت و بندگی فرا رسد و در حال معصیت باشم (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، از تو و مردم بی نیاز می سازم. من می ترسم که مرگم (۷۳ - ۷۴).

بیل راه آب را باز می‌کرد؛ در امام صادق علیه السلام به یاران سرمایه می‌داد تا با آن کار کنند و گاه در باغ با شخص برای کسب روزی از حرارت خورشید به حالی که هوا به شدت گرم بود. و می‌فرمود: دوست دارم (سختی بیفتد) همان، ۷۶ - ۷۷.

به‌گونه‌ای که پاهایش یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام حضرت را در حال کار در زمین مشاهده کرد؛ خود را به زحمت انداخته‌ای؟ فرمود: ای علی! غرق در عرق بود. به او گفت: غلامان و کارگران کجایند؟ (چرا کرده‌اند که از من و پدرم بهتر بوده‌اند. گفتم آنان کیانند. فرمود، رسول کسانی با دستانشان بر زمین کار خود کار می‌کردند و این از خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیر مؤمنان و پدران معصومین تمام آن‌ها با دستانتان - ۷۶). سلمان فارسی صحابی بزرگ 75 شیوه پیامبران و رسولان و اوصیا و صالحان است (همان: ج ۵، پیامبر زمانی که فرماندار مدائن بود، با بافتن

خود بخورم زنبیل و فروش آن زندگی خود را اداره می‌کرد و می‌فرمود: دوست ندارم جز از دسترنج (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۸، ۳۵).

اولیای دین با این که موارد پیشین و دیگر احادیث (رضایی، ۱۳۷۷: ۲۷ - ۳۷) به صراحت بیان می‌دارد که مالی زندگی کار اقتصادی انجام ندهند، با برای آن‌ها امکان داشت یا برخورداری از کمک دیگران و تأمین آن‌را انجام می‌دادند و این، نشانه مطلوبیت و ارزش ذاتی کار در این باور که کار اقتصادی امری مطلوب است، توضیح بیش‌تری درباره‌اش خواهیم داد نظام دینی است که

7. مطلوبیت و ارزش ذاتی کار اقتصادی

برای رفع خستگی انجام کار بدنی سخت است و به صرف انرژی نیاز دارد. بدن با کار خسته می‌شود و برخلاف مطلوبیت است و آن‌چه نیازمند استراحت و کسب انرژی دوباره است؛ از این رو گفته می‌شود کار تفریح است. آن‌چه انسان به‌طور طبیعی به آن روی برای انسان مطلوبیت دارد، استراحت و فراغت و انجام انجام کار دوری می‌کند. فقط زمانی به کار روی می‌آورد که کار درآمدزا می‌آورد، راحتی است و طبع بشر از او را از آن‌جا که درآمد، باعث توان خرید کالا و خدماتی می‌شود که برای انسان لذت می‌آورد و باشد. از جز کار کردن نیست؛ سختی و درد و رنج راحت می‌سازد، درآمد مطلوبیت دارد. برای کسب درآمد راهی بودن، انسان به آن رو می‌آورد. به‌طور معمول، بنابراین، کار، مورد توجه انسان نیست؛ ولی به جهت درآمدزا منحنی‌های عرضه نیروی کار است. منحنی بی‌تفاوتی شخص بین مقدار این مطلب فرض اولیه در استخراج ترسیم می‌شود و چون مجموع استراحت و ساعات کار به ساعات شبانه‌روز محدود است، درآمد و استراحت ابتدا صحیح به نظر تعیین ساعات استراحت به تعیین ساعات کار می‌انجامد. شاید غیرمطلوب بودن کار در :آید. برخی قائل هستند

و تحقیرآمیز تلقیمی شد افلاطون و ارسطو، کار فعالیتی از نوع پست در اندیشه فلاسفه یونان قدیم و آثار

پست به شمار می‌آید. چون کار بدنی بر عهده بردگان بود، از این رو به تداعی انجام دهندگان آن فعالیت برای زنده ماندن یکی از وجوه مشترک خوار شمردن کار در یونان باستان از این ناشی می‌شود که فعالیت از شرایط زندگی انسان آزاد حذف می‌کند. میل به ایجاد حیوانات و انسان‌ها است. داشتن برده‌ها کار را که یونانیان قدیم، فاصله با زندگی حیوانی موجب شد

واقع جنبه مادی اهمیت چندانی برای وسایل معیشت و به طور کلی ثروت مادی قائل نشوند. آن‌ها در اندیشمندان می‌پنداشتند. این نگاه به کار زندگی را تحقیر می‌کردند و شأن را در زندگی سیاسی معنوی و قدما انسان یک حیوان فکر کننده است و غایت انسان در فعالیت تا دوران جدید ادامه می‌یابد. در دید جدید، انسان را حیوان کار کننده تصور می‌کردند که با کار کردن، سرنوشت و فکری است و در دوران بود، از رفاه خود را به وجود می‌آورد. تولید ثروت‌های مادی که برای قدما پست و تحقیرآمیز (سعادت نزد قدما دون شأن تلقی دیدگاه متجددین خصلت مهم جامعه متمدن است؛ البته با این که کار بدنی مصلحان اجتماعی، نبود فعالیت و بیکاری را می‌شد، گاه در مواردی به شدت آن را توصیه می‌کردند؛ زیرا را برای کسانی که قادر به فعالیت‌های فکری (سیاسی) نبودند، منشأ فساد می‌شمردند؛ از این رو کاربردی کلیسای قرون وسطا بر کار کردن، ناشی از این دوراندیشی اخلاقی بود؛ در این جا کار لازم می‌دانستند. تأکید ثروت‌های مادی کردن به مفهوم بد در مقابل بدتر (بیکاری) است و هدف از به کار بردن تولید، افزایش ذاتاً فعالیت هدفمند در جهت نیست؛ اما در اندیشه مدرن، کار به خودی خود فضیلت به شمار می‌آید و (اخلاقی مذموم نیست (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۷۲ - ۷۴ ایجاد و تکاثر ثروت تلقی می‌شود و آن از لحاظ

برای کسب درآمد و از آن چه نقل شد، به دست می‌آید که به نظر نویسنده، تا دوران جدید، کار اقتصادی اما در دوران جدید تکاثر ثروت مطلوبیت ثروت مطلوبیت نداشت. فقط بهتر از بیکاری است که فسادآور بود؛ در این کلمات دیده نمی‌شود، دیدگاه ملل شرقی، به ویژه یافت و کار برای آن امر خوب تلقی شد. آن چه ثروت است. گویا هر چه پیش از رنسانس در اروپا حاکم بوده، فرهنگ حاکم بر دین اسلام درباره کار و کسب تاریخ آن اعصار است و توجه به کار اقتصادی فقط پس از رنسانس به عالمیان عرضه شد. قرون تمام جهان این خطایی بزرگ است و از عدم اروپا را قرون تاریخ تمام عالم به شمار می‌آورند و اروپایی نماینده جهان، و توجه به فرهنگ اسلام و شرق دنیا نشان دارد

پروتستان به ویژه فرقه افزون بر این، تغییر دید به کار را منشأ توسعه جهان غرب می‌دانند. ظهور آیین دنیا وظیفه انسان شد. این تکلیف الهی کالوین زمینه تعریف رابطه جدید بین خداوند و انسان، و ساختن کار عبادت شد و قبح و زشتی کسب ثروت از بین رفت. برای انسان، جامعه عقب افتاده را حرکت داد در آثار خود به ویژه در کتاب مشهورش، اخلاق پروتستانی و روح ماکس وبر، جامعه‌شناس شهیر آلمانی، را مطرح ساخت. مسأله اصلی سرمایه‌داری این نظریه

شهرسازی خود مختار و وبر، شکل خاص و جدید سرمایه‌داری غربی است. او عوامل گوناگونی همچون رشد سرمایه‌داری، زمینه رشد عوامل پیشین را ایجاد صنعتی شدن را علت ظهور سرمایه‌داری می‌داند و روح

۱. صدوق، ۱۳۸۳:) کار اقتصادی در متون دینی عبادت و به مثابه جهاد در راه خدا شمرده شده است. درباره وضعیت معیشت فردی پرسید ۳۶۶؛ عاملی، ۱۳۸۳: ج ۱۲، ۱۱). امام صادق علیه السلام از یاران خود تأمین می کند. فرمود: «والله الذي يقوته اشدّ عبادة منه» گفتند: به عبادت می پردازد و معاش او را برادرش سوگند به خدا! آن که معاش او را تأمین می کند، عبادت برتر را انجام می دهد. در (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۷۸. زمینه روایات بسیار است این

۲. مطلوب خداوند متعالی خداوند، عمران و آبادی زمین را از بشر خواسته است؛ بنابراین، عمران و آبادی ۲. فیها» (هود (۱۱): ۶۱). او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما است: «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن عَمْرَانِ آن را خواستار شد. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا رَاسْتَقْرَارَ داد او است کسی که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در فراخنای آن (67): 15) رَزَقَهُ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک از روزی «خدا» بخورید و رستاخیز به سوی او است رهسپار شوید و

۳. عبادت به آن فرا خداوند کار و تلاش اقتصادی را طلب فضل الهی می نامد و مؤمنان را پس از انجام 3. فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ» (اسراء (۱۷): ۱۲)، و نشانه روز را روشنی بخش می خواند: «وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مَبْصُرَةً لِّتَبْتَغُوا دَرَّانَ» فضلی از پروردگارتان بجوید. «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ» کردیم تا

چون نماز گزارده شد، در «روی» زمین فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله» (جمعه (۶۲): ۱۰) و پراکنده، و فضل خدا را جوینا شوید

باید به آن پرداخت. ابتغای فضل الهی همان کار اقتصادی است که پس از انجام عبادتی مثل نماز جمعه یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله وذرؤا البیع» کار نباید مزاحم اوقات عبادت شود: «فَإِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن قَلَمَدَاد ؛ ولی پس از انجام عبادت، کار نه تنها ناپسند نیست، بلکه طلب فضل و رحمت الهی (9): همان خداوند آن را کفایت کرده است، می شود. در توضیح آیه، امام صادق علیه السلام فرمود من درباره حاجتی که طلب حلال مشاهده کند. آیا کلام خدا را حرکت می کنم و فقط قصدم این است که خداوند مرا در حال فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله» (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱۰، نشنیده ای که فرمود: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ ۲۸۹).

۴. امتثال امر الهی نه در برخی روایات آمده است که امامان علیهم السلام کار اقتصادی را فقط به جهت 4. :صادق علیه السلام نقل شده که فرمود کسب سود انجام می دادند. افزون بر روایت پیشین، از امام

اطلب الحلال (کلینی، انی لاعمل فی بعض ضیاعی حتی اعرق و ان لی من یکفینی لیعلم الله عزوجل انی (۱۳۶۲: ۷۷ / ۵)

کار کنند. هدف من من در زمین زراعتی کار می کنم تا عرق کنم با این که افرادی هستند که به جای من این است که خداوند مرا در حال کسب روزی حلال مشاهده کند

از یاران خود به نام در حدیث دیگری نقل شده است که امام صادق علیه السلام هزار و هفتصد دینار به یکی عذافر داد و فرمود:

لکنی أحببت ان یرانی اتجر بها ثم قال: أما إنه لیس لی رغبة فی ربحها و ان کان الربح مرغوباً فیه و (اللّه عزوجل متعرضاً لفوائده (همان: ۷۳ / ۵)

سود انگیزه و مورد با این اموال تجارت کن؛ سپس فرمود: همانا من رغبتی به سود تجارت ندارم. هر چند کند رغبت است، علاقه مندم خداوند مرا در معرض کسب منافع آن مشاهده

بیفزای عذافر در تجارت صد دینار سود برد. حضرت خوشحال شد و فرمود سود را به سرمایه

دستور شیطان قلمداد در کلام اولیای دین ترک تلاش و کار عامل بی خردی و بی اعتباری و تبعیت از 5. پارچه فروش بود. به حضرت گفت: تصمیم دارم بازار شده است. معاذ بن کثیر از یاران امام صادق علیه السلام مال دارم. امام فرمود: با این عمل بی اعتبار می شوی (همان، ۱۴۸). در را ترک کنم؛ زیرا به اندازه کافی است که حضرت به معاذ گفت: توان حدیث دیگر آمده

شما هستم (در زمان تجارت را از دست داده‌ای یا به آن بی رغبت شده‌ای؟ معاذ گفت: منتظر برقراری دولت و گمان نمی‌کنم تا وقت مرگم هم قتل ولید بن عبدالملک) و مال فراوانی دارم و بدهکار کسی هم نیستم: صرف شود. حضرت فرمود

علیک لا تترکها فإن مذهبہ للعقل اسع علی عیالک و ایاک ان یکون هم السعاه

برخود با این عمل تحریک تجارت را رها نکن که زمینه نابودی خرد است. برای خانواده‌ات بکوش و آنان را (مکن) همان

اهداف، انگیزه‌ها و آثار کار 8.

انگیزه فرد ممکن است انسان در فعالیت و تلاش اقتصادی اهداف گوناگونی می‌تواند در نظر داشته باشد از روی طبع و سرشت انسانی ابتدا در فردی یا اجتماعی باشد؛ مالی یا غیرمالی باشد. انگیزه ممکن است اعتقاد یا هدف خاصی انگیزه ایجاد شود. آثار کار گاه امری ذهن و فکر انسان شکل بگیرد یا به جهت پذیرش به صورت قهری بر کار مترتب می‌شود. از لابه لای متون دینی، آنچه را به صورت مقصود است و گاه اثر یا فردی یا انگیزه و اثر کار است، مطرح می‌کنیم. اهداف و آثار، یا دنیایی یا آخرتی و در دنیا، هدف، اجتماعی است

اهداف و آثار دنیایی فردی 1-8.

در انجام کار این ا. کسب درآمد و تأمین معیشت زندگی خود و خانواده: شاید نخستین انگیزه هر شخصی آفریده شده است و برای غذا، پوشاک، است که به واسطه کار، نیازهای خود را تأمین کند. انسان، نیازمند اغلب آماده مصرف نیست؛ گرچه برخی محصولات مسکن، باید از طبیعت بهره گیرد. محصول طبیعت به همین قصد سراغ کار رود تا نیاز خود را برطرف سازد، کار این گونه هستند. در متون دینی، هرگاه کسی دیدگاه فقهی، کار برای تأمین معاش واجب است و انسانی که در راه کسب او عبادت شمرده شده و طبق دستی تأمین زندگی سختی می بیند، خداوند به او ثواب می دهد و پیامبر گرامی اسلام بر چنین درآمد برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جنگ تبوک بوسه می زند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که وقتی آمد. حضرت با او مصافحه کرد، دست او را زیر و خشن دید. مراجعت کرد، سعد انصاری به استقبال وی به دست رسیده است؟ گفت: با طناب و بیل کار و درآمد آن را فرمود: چه صدمه ای و آسیبی

: صرف معاش خانواده ام می کنم. حضرت دست او را بوسید و فرمود

هذه يد لاتمسها النار

(این دستی است که آتش جهنم به آن نمی رسد (جزری، ۱۳۷۰: ج ۲، ۳۳۷)

وسایل رفاهی خود کسب درآمد فقط برای تأمین ضروریات زندگی نیست؛ بلکه شخص می تواند برای تأمین و خانواده کار کند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود

حرّ عاملی،) از سعادت های مسلمان، داشتن منزلی گشاده، همسایه صالح و وسیله سواری مناسب است (۱۳۸۳: ج ۳، ۵۵۸)

: و امام صادق علیه السلام فرمود

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر چه برای خرید عطر پردازی، اسراف نیست و مخارج مربوط به عطر پیامبر (؛ طبرسی، ۱۳۹۳: 51241 بیش از مخارج خوراکی او بود (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۶،

مرکب راهوار، خانه راحت، در این زمینه روایات بسیاری وارد شده و مؤمنان را به لباس زیبا، غذای مناسب، دلالت دارد که تأمین موارد پیشین از اهداف کسب انگشترهای عقیق، فیروزه... و غیر آن ترغیب کرده و همه درآمد است

نیاز خود را برطرف ب. عزت و شخصیت یافتن: یکی از آثار کار، عزت یافتن فرد است. شخص با کار کردن و هزینه او بر عهده دیگری نیست. امام ساخته، نیازمند کار دیگران نمی شود؛ از دیگران درخواست نمی کند. دیر به بازار رفته بود فرمود: أَعْدُ إِلَى عَزِّكَ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ به یکی از یاران خود که

پیامبر (5، 10) پگاه صبح در پی عزت خود [= کار و کسب] برو (عاملی، ۱۳۸۳: ج ۱۲، ۳، ر.ک: ج ۴، :گرامی فرمود

از درخواست از دیگران اگر کسی هیزم جمع آورد و بر دوش بگیرد، آن را بفروشد و نیاز خود را برطرف سازد داشته باشد. باید با کار و تلاش، بهتر است (همان، ج ۶، ۳۱۰). مؤمن نباید چشم امید به بیت‌المال هم، عزت و شخصیت فرد را از بین می‌برد. یکی شخصیت خود را حفظ کند. درخواست کمک از بیت‌المال می‌برد، نزد حضرت رفت تا کمک بخواهد. پیامبر وقتی او را دید، فرمود از یاران پیامبر که در سختی به سر او را بی‌نیاز می‌کند. هر کسی از ما چیزی درخواست کند، به او می‌دهیم؛ ولی اگر به دنبال ثروت برود، خدا سپس کلنگی مرد برگشت تا سه بار نزد حضرت رفت و همان سخنان را شنید؛

اموالی فراهم ساخت. جریان را عاریه کرد و از کوه مقداری هیزم آورد و به مقداری آرد فروخت و ادامه داد تا به او عطا می‌کنیم؛ ولی اگر به دنبال ثروت رود، به پیامبر گفت فرمود: به تو گفتم اگر کسی درخواست کند (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ۱۳۹) خداوند او را بی‌نیاز می‌سازد

او افزوده می‌شود. ج. رشد عقلانی: کار، وسیله تجربه آموختن انسان است و بر رشد عقلانی و اجتماعی امام صادق علیه‌السلام فرمود

می‌دهد ترک التجارة ینقص العقل (همان: ج ۵، ۱۴۸)، رها کردن تجارت، عقل را کاهش

التجارة تزید فی العقل (همان)، تجارت عقل را رشد می‌دهد

انسان در جریان کار و این روایات گرچه درباره تجارت آمده است، به آن اختصاص ندارد. اصولاً تفکرات تفکر می‌کند. اگر انسان از محیط عمل جدا عمل شکل می‌گیرد و بر حسب آن چه انجام داده، درباره آینده ونمی‌تواند زمینه رشد علم را فراهم کند. با کار و تلاش، انسان در شود، مسائل جدید برای او رخ نمی‌دهد قرار می‌گیرد؛ قوانین آن را درک می‌کند و رمزهای آن را کشف می‌کند. این تعامل باعث تعامل با طبیعت ،رشد عقلانی بشر می‌شود

نیازمند از نظر روحی در د. کسب آرامش روحی: انسان با کسب درآمد از نظر روحی آرامش می‌یابد و فرد فرمود اضطراب و نگران است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

(انسان هر گاه نیازمندی‌های خود را تأمین کرد، آرام می‌گیرد (همان: ۸۹)

امام رضا علیه‌السلام فرمود

(انسان آن گاه که مواد خوراکی سالانه‌اش را تأمین کرد، آرامش می‌یابد (همان

عاطل بودن، ه. سلامت جسم: از آثار کار، برخورداری شخص از سلامت و نشاط جسمی است. بیکاری و شخص می‌شود. با کار، باعث استراحت بیش از حد و پدید آمدن روحیه خمودی و یأس و افسردگی در مؤمنان علیه‌السلام فرمود اعضای انسان توان خود را بروز می‌دهد. امیر

افزوده می‌شود من يعمل یزدد قوه، (حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۵، ۲۹۱ - ۲۹۲)، هر کس کار کند، توان او ناتوانی او افزوده می‌شود من یقصر فی العمل، یزدد فتره (همان)، هر که در عمل کوتاهی کند، سستی و امام صادق علیه‌السلام به فضل فرمود

مدتی ساکن مکانی شود و اگر تمام نیازهای مردم تأمین شده بود، از زندگی لذت نمی‌بردند. اگر انسانی است خود را مشغول کند. (مجلسی، ۱۳۷۴: همه نیازهای او فراهم باشد، از بی‌کاری خسته می‌شود و مایل (ج ۳، ۸۷).

افراد مطلوبیت داشتن و ارزش ذاتی کار: در بحث مطلوبیت کار گذشت که از جمله انگیزه‌های کار برای ذات کار است

اهداف و آثار دنیایی، اجتماعی. 2-8

کار اقتصادی، آثار خاصی برای اجتماع دارد؛ از جمله

برطرف سازند. فرد نمی‌تواند ا. تأمین نیازهای اساسی اجتماع: افراد با کار می‌توانند نیازهای افراد جامعه را انجام کار خاصی می‌تواند نیاز مردم را برطرف سازد و تمام نیازهای خود را برطرف سازد؛ بنابراین هرکس با (تأمین شود (عاملی، ۱۳۸۶: ج ۱۳، ۲۴۴ در مجموع، نیازهای تمام افراد

می‌رود و فرد با کسب درآمد ب. رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان: با کار و تلاش، فقر اجتماعی از بین کار فرامی‌خواند؛ حتی اگر به درآمد آن نیاز می‌تواند به دیگران کمک کند. مسؤولیت اجتماعی، شخص را به فرد مفید و مؤثری باشد. در روایات بسیاری آمده است که حضرت نداشته باشد. فرد باید در بعد اجتماعی باغ احداث، و چاه و قنات حفر می‌کرد و آنان را برای مردم و کمک به نیازمندان وقف امیرمؤمنان با کار خود - ۷۵؛ طوسی، ۷۴ می‌کرد یا آن که بردگان بسیاری را با کار و درآمد آن رها ساخت. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، (۱۴۰۱: ج ۹، ۱۴۸).

فرمود روایات متعددی درباره حقوق مؤمن بر مؤمن رسیده است. امام صادق علیه‌السلام

برادرش گرسنه مسلمان برادر مسلمان است. حق مسلمان بر برادر مسلمان آن است که سیر نشود و برادرش بی‌بهره بماند (کلینی، بماند؛ سیراب نشود و برادرش تشنه باشد، و از پوشاک بهره‌مند نباشد و (۱۳۶۳: ج ۵، ۷۲).

این حقوق آن است که مؤمن که در اجتماع زندگی می‌کند، باید حقوق دیگر افراد را به‌جا آورد و از جمله مالی او را دریابد در امور مالی به او موااسات داشته باشد و در استفاده از امکانات

درآمد، توانایی ج. گسترش اخلاق اجتماعی و کاهش مفاسد اجتماعی: یکی از انگیزه‌های مهم برای کسب همسایگان است؛ هر چند آن‌ها نیازمند شخص در کمک به دوستان و دعوت از آن‌ها و ارتباط با بستگان و باشد، برای او امکان پذیرایی از دوستان نیست و نمی‌تواند با و فقیر نباشند. اگر شخصی توان مالی نداشته اختلاف دارند، دوستی برقرار کند و نمی‌تواند از درآمد در جهت گسترش اخلاق بذل هدیه بین آنان که بهره‌بردار اجتماعی

در فرد بیکار فراهم از سوی دیگر، بیکاری منشأ بحران اخلاقی فرد و اجتماع است. زمینه تمایل به فساد می‌کند است. نفس‌آدمی اگر مشغول کاری نشود، انسان را به خودش مشغول

از بُعد اقتصادی مورد و در پی افکار و خیالات باطل می‌برد. امروزه در جوامع انسانی، پدیده اشتغال فقط از قبیل اعتیاد، سرقت، اعمال ضد اخلاقی توجه نیست؛ بلکه بحران بیکاری زمینه مفاسد گوناگون اجتماعی نوشابه‌های الکلی است؛ بنابراین از آثار کار و انگیزه روی آوردن به کار، و تعرض به زنان، قمار و استفاده از صرف سلامت روح انسانی و گسترش اخلاق در اجتماع است. بخش مهمی از درآمدهای خانواده‌ها حفظ و که فرمود پر کردن ساعت فراغت فرزندان می‌شود. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است

و ثمره آن نابودی و سستی و تنبلی، کلید غم و بدبختی است و ناتوانی و تنبلی همراه نیازمندی و فقر است کشانده می‌شود (ولایی، ۱۳۷۸: ج ۲، بدبختی است. آن که طلب و تلاش نکند، چیزی نمی‌یابد و به فساد ۶۳).

باشند، اقتصاد جامعه د. افزایش توان اقتصادی جامعه: هر گاه بخش‌های اساسی مردم به کار اشتغال داشته به جهت مالیات‌ها فزونی یافته و امکان رشد خواهد داشت. تولید و درآمد ملی افزایش می‌یابد. درآمد دولت نیروی کار همراه با سرمایه، تولید جامعه را رقم می‌زند. هر گاه ارائه خدمات عمومی به مردم فراهم می‌شود می‌شود. باشد، سرمایه بالقوه یا بالفعل هم معطل می‌ماند و توان اقتصادی جامعه ضعیف نیروی کار بیکار مناسبی برای مسلمان در روی افزایش توان اقتصادی جامعه، بدون شک از آثار کار شمرده می‌شود و انگیزه داشت، شخص باید این‌گونه «واجبات آوردن به کار است؛ به همین جهت هرگاه جامعه به کاری نیاز خودداری نکند که گاه تلاش در انجام مشاغل مورد نیاز نظامیه را انجام دهد و از تلاش خود در این زمینه امروز جایگاه نیروی انسانی و سرمایه انسانی در رشد و توسعه اقتصادی (جامعه واجب می‌شود (صدر: ۱۰۸ کلیدی اقتصاد کلان و توسعه است. یکی از انگیزه‌های اصلی شخص، رشد اقتصادی است و از مباحث مهم و حتی اگر به مال تقویت این انگیزه میان نیروی کار، آثار پربرکتی دارد. فرد از توجه به خود خارج شود نه تنها در کار خود باید به فکر دیگر احتیاج ندارد، برای اعتلای جامعه بکوشد. در دیدگاه دینی، انسان او دیگر موجودات هم استفاده کنند، در نزد خداوند مطلوب انسان‌ها و جامعه باشد، بلکه اگر از ثمره کار خواهند نوشت. کمک به عمران و حیات طبیعت و محیط زیست ارزش والاّیی است و برای او پاداش آخرتی :اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که فرمود دارد. از پیامبر

له به صدقة (نوری، ما من مسلم یغرس غرساً أو یزرع زرعاً فیأکل منه انسان أو طیر أو بهیمه الا کانت
(۱۴۰۷: ج ۱۳، ۴۶۰).

استفاده کند، در نامه اعمال او مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به عمل آرد و از آن انسان، پرنده، چارپا
ثواب صدقه نوشته می شود.

عمران و حفظ محیط در یک حدیث بی نظیر از پیامبر اسلام، مطلبی نقل شده که بر جایگاه والای آبادی و
حیوانی هم استفاده نکند، زمین آباد زیست دلالت دارد. حتی اگر از ثمره کار انسان، کسی بهره نبرد و
است که از کار دست نکشد. فرمود می شود. همین امر انگیزه بسیار خوبی برای مؤمن

(فلیغرسها) (همان: ۴۶۰ ان قامت الساعة و فی ایدیکم الفسیله، فان استطاع ان لاتقوم الساعة حتی یغرسها

تا وقوع قیامت بودید، هرگاه نهال خرما جهت کاشتن در دستتان بود و قیامت برپا شد، اگر قادر بر کاشت آن
گرچه کسی از آن بهره نبرد (ر.ک: القرضوی، آن را بکارید. آبادی و عمران زمین برای انسان مطلوبیت دارد،
(۱۴۱۷: ۱۴۹ - ۱۵۸).

۸. اهداف، انگیزه‌ها و آثار آخرتی کار اقتصادی 3

دینی، آثاری برای عملی اعتقاد دینی، عامل بسیار مهم در ایجاد انگیزه است و چنان چه در کلام اولیای
می کوشد و فعالیت خود را در خاص عنوان شده باشد، مؤمن به جهت باورهای خود در جهت کسب آن
کارهای بسیاری را برای نتایج آخرتی انجام می دهند. همان سو قرار می دهد. انسان های معتقد به عالم ماورا،
دارایان در طول تاریخ، بسیار دیده شده است. هم اکنون مکان های وقف از بذل جان جهادگران تا صرف مال
نیکمردان و نیک زنان در جهان به حدی است که نهادهای گوناگون در سرپرستی صحیح آن شده به وسیله
یا اثر کار می کوشند. مطلب پیشین روشن است و ما در این قسمت آن چه را در متون دینی به صورت هدف
بین دنیا و آخرت می شود و در آخرت مطرح شده می آوریم تا نشان دهیم کار اقتصادی چگونه حلقه واسط
الاهی را نصیب می شود شخص با کار اقتصادی بهشت عدن را به چنگ می آورد و رضوان

أ. بخشش گناهان

:پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود . کار اقتصادی، شخص را از آمرزش الاهی بهره مند می کند

(من بات کالاً من طلب الحلال بات مغفوراً له (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۷۸

آن که در راه کسب حلال زندگی او می گذرد، مورد مغفرت الاهی است

قال: الهموم فی طلب المعیشه. إن من الذنوب ذنوباً لا یکفرها صلاه و لاصدقة قیل یا رسول الله. فما یکفرها
(النوری، ۱۴۰۷: ج ۱۳، ۱۳

پاک می‌کند؟ فرمود: برخی از گناهان با نماز و صدقه پاک و جبران نمی‌شود. یاران گفتند چه چیز آن را تلاش در کسب روزی

ب. حفظ و یاری دین فرد

نعمت‌های دنیا و انسان اگر بخواهد دیندار واقعی باشد و بتواند در معنویت پیشرفت کند نمی‌تواند از آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة «: نیازهای دنیایی چشم بپوشد. مؤمن به دنبال خیر دنیا و آخرت است از معیشت است. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۷۱). از پیامبر حسنة» (بقره ۱۹۷:۲) و خیر دنیا همان برخورداری نان برکت ده و بین ما و نان جدایی میندازد. اگر نان نداشتیم، توان نماز گرامی نقل شده است که خداوند! در (انجام واجبات الهی را نداشتیم (همان: ۷۳ و روزه و

نتیجه‌گیری

از آن چه ذکر شد، امور ذیل استفاده می‌شود

1. خالق آن کار در نگاه دین، در گستره هستی جاری است و شخص با کار با مجموعه عالم هستی و هماهنگ می‌شود
2. اهمیت آن در هر نوع کار حلال مطلوب است؛ گرچه برخی از کارها و فعالیت‌های اقتصادی به جهت متون دینی مورد ترغیب بیشتر قرار گرفته است
3. کشاورزی، می‌پرداختند اولیای الهی به انواع کارها مثل کارگری، خیاطی، زره‌بافی، صنعتگری، تجارت، و کار را فضیلت انسانی و عبادت الهی می‌دانستند
4. از بهترین اعمال اعتقادات اسلامی، ترغیب‌کننده فعالیت اقتصادی است و چون دنیا مزرعه آخرت و می‌شود صالح، کسب درآمد حلال است، با کار آخرت شخص و ارزش انسانی او تضمین
5. قناعت مصرف را اخلاقیات دینی هیچ‌گونه تنافی با تلاش اقتصادی ندارد و عواملی همچون زهد و جوامع در حال توسعه باعث افزایش متعادل می‌کند، نه آن‌که به تولید ضربه بزند؛ از این رو، این امور در می‌شود پس‌انداز و افزایش سرمایه جهت تولید بیش‌تر
6. کمک به هم‌نوع، انجام بسیاری از فضایل اخلاقی مثل سخاوت، دستگیری از فقیران، صلۀ رحم، وقف، کار نمی‌توان به فضایل نیازمند کسب درآمد بیش از حد نیاز و صرف آن در موارد پیشین است. بدون اخلاقی دست یافت

7. اجتماع، عزت نفس، کار اقتصادی به علل گوناگون مورد رغبت مسلمان است. تأمین معاش، رفع احتیاج .
نابودی مفاسد اجتماعی، حفظ دین و رشد عقلانی، سلامت جسم، زدودن چهره زشت فقر، گسترش اخلاق و
کار ترغیب می کند کسب ثواب آخرتی به همراه مطلوبیت کار، مؤمن را به

8. فراهم می کند و گسترش فرهنگ دینی درباره کار زمینه تلاش همه جانبه افراد برای رشد اقتصادی را .
بیکاری را به هر صورت از خود دور افراد توجه جدی به نفس کار دارند تا نوع آن؛ بنابراین خواهند کوشید
ترجیح دهند سازند و هر کار حلالی را عزیز داشته، به بیکاری

9. مثل اسراف منابع، حاکمیت فرهنگ دینی، اثر مثبت بر بهره‌وری نیروی کار و کاهش هزینه‌های اضافی .
(رضایی، ۱۳۷۷: ۲۲۲۶) و اتلاف وقت دارد و روابط انسانی در بازار کار را بهبود می بخشد

10. کسب کرد کار اقتصادی پیوند دنیا و آخرت است و با آن می توان حسنه در دنیا و آخرت را .

منابع و مأخذ

1. قرآن مجید .

أ. فارسی

1. امام خمینی، ۱۳۷۲ ش امام خمینی، سیدروح‌الله: چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار .

2. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ش : .

3. علی‌علیه‌السلام، ج ۷، تهران، حسینی، سیدرضا: سیره اقتصادی امام علی‌علیه‌السلام، دانشنامه امام .
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش

4. درّداری، ن. مدیریت ژاپنی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳ ش .

5. پایان‌نامه (قم، دانشگاه) رضایی، مجید: عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی .
مفید، ۱۳۷۷ ش

6. علی‌علیه‌السلام، ج ۷، تهران، زهد و قناعت در منظر و سیره امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام، دانشنامه امام : .
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش

7. کتابهای جیبی، ۱۳۵۸ رودنسون، ماکسیم: اسلام و سرمایه‌داری، محسن ثلاثی، تهران، شرکت سهامی
ش

- ش. 1353 عنایت، حمید: دین و دنیا آمده در: «جهانی از خود بیگانه»، تهران، فرمند، 8.
9. عالی پژوهش در غنی‌نژاد اهری، موسی: مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، تهران، مؤسسه 9. برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶ ش
10. مطهری، مرتضی: انسان و سرنوشت، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۴۵ ش.
11. بیست گفتار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹ ش :.
12. حق و باطل، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۵ ش :.
13. سیری در نهج‌البلاغه، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۴ ش :.
- ش. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ :

1.

2. مهدوی‌زادگان، داوود: اسلام و سنت وبری، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۸ ش.
- ش. 1378 ولایی، عیسی: کار در منابع اسلامی، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، 3.
4. منوچهری کاشانی، وبر، ماکس: اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، عبدالکریم، رشیدیان، پریسا. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش

ب. عربی

1. مكتبة آية الله العظمى ابن أبي الحديد: شرح نهج البلاغه، تحقيق محمدابوالفضل ابراهيم، قم، منشورات المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق
2. دارالشعب، ۱۹۷۰ م الجزري، ابوالحسن علي بن محمد بن الاثير: اسدالغابة في معرفة الصحابة،
3. تهران، الحر العاملي، محمدبن الحسن: وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، ۲۰ جلد، 3. مكتبة الاسلاميه، ۱۳۸۳ ق
4. ق. الحكيمي، محمدرضا، محمد، علي: الحياه، تهران، نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۰۸.
5. ق. الرضي، ابوالحسن: نهج البلاغه، «صبحي الصالح»، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۹۵.
6. الصدر، السيد محمد باقر: الاسلام يقود الحياه، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.

7. مكتبة الصدوق، الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي: التوحيد، تصحيح هاشم الحسيني الطهراني، تهران، 1398 ق
8. معاني الأخبار، تصحيح علي أكبر الغفاري، قم، انتشارات اسلامي، 1361 ش :
9. ق الطباطبائي، السيد محمد حسين: الرسائل التوحيديه، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، 1417 .
10. الرسولي المحلاتي، الطبرسي، ابو علي الفضل بن الحسن: مجمع البيان في تفسير القرآن، تصحيح هاشم . قم، مكتبة آية الله العظمى النجفي المرعشي، 1412 ق
11. الطبرسي، ابونصر الحسن بن الفضل: مكارم الاخلاق، بيروت، دارصعب، 1401 ق .
12. مؤسسة الرسالة، 1417 ق القرضاوي، يوسف: دور القيم و الاخلاق في الاقتصاد الاسلامي، بيروت، .
13. دار الكتب الاسلاميه، الكليني، ابوجعفر محمد بن يعقوب: الكافي، تصحيح علي أكبر غفاري، تهران، 1362 ش
14. المجلسي، محمد باقر: بحار الانوار، تهران، مكتبة الاسلاميه، 1374 ش .
15. في الحوزة العلميه، المفيد، محمد بن محمد بن النعمان: كتاب الأمالي، قم، منشورات جماعة المدرسين . 1403 ق
16. آل البيت عليهم السلام النوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة . لاحياء التراث، 1407 ق
17. مؤسسة الرسالة، 1409 ق الهندي، علي المتقي، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، بيروت، .

پایان مقاله